

گریزی بر ادبیات مدرن و فرهنگ

نویسنده:

دکتر حبیب یوسف مغنیه

استاد زبان و ادبیات و تمدن دانشگاه لبنان

ترجمه: اعظم اسدی

www.ketab.ir

مغنیہ، حبیب یوسف	سرشناسه
فی الادب الحديث و الثقافة فارسی	عنوان قراردادی
گریزی بر ادبیات مدرن و فرهنگ/ نویسنده حبیب یوسف مغنیہ؛ مترجم	عنوان و نام پدیدآور
	اعظم اسدی.
مشهد: انتشارات کتابداران، ۱۳۹۴	مشخصات نشر
۳۹۰ ص.	مشخصات ظاهری
۱۵۰۰۰ ریال: 978-600-94424-5-4	شابک
فیبا	وضعیت فهرست نویسی
ادبیات عربی -- قرن ۲۰ م. -- تاریخ و نقد	موضوع
شعر عربی -- قرن ۲۰ م. -- تاریخ و نقد	موضوع
ادبیات -- جنبه های اجتماعی -- کشورهای عربی	موضوع
فرهنگ در ادبیات	موضوع
اسدی، اعظم، ۱۳۶۲ -، مترجم	شناسه اثرده
PJA۲۱۵۵/م۶۹۰۴۱ ۱۳۹۴	رده بندی کنگره
۸۹۲/۷۰۹	رده بندی دیویی
۳۹۳۰۴۸۸	شماره کتابشناسی



نام کتاب: گریزی بر ادبیات مدرن و فرهنگ

نویسنده: دکتر حبیب یوسف مغنیہ

مترجم: اعظم اسدی

ناشر: کتابداران - مشهد مقدس ۰۶۸ ۰۹۱۵۹۱۵۴

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول

سال چاپ: ۱۳۹۴

قیمت: ۱۵۰۰۰۰ ریال

شابک: 978-600-94424-5-4

چاپ: نگین

تمامی حقوق این اثر متعلق به مترجم کتاب می باشد

مقدمه مترجم

شاید بتوان گفت در هر برهه‌ای از زمان دغدغه‌های گروهی در هر کجای هستی، ادبیات زبانی است که امتشان با آن تمنیات و احساسات و حقایق درونی خود را بروز می‌دهند و عده‌ای دیگر نیز در پی غنی ساختن و بارور نمودن این ادب و رساندنش به حد غایی تعالی و نمو هستند. از این رو، محدود به ملت خود نگشته و این آرمان را در سطح دنیای وسیع پرامونشان می‌جویند، این کتاب نوگرایی در تمامی ابعاد شعر را در نظر دارد بخصوص شعر عرب، و قانونهای جاری بر شعر مدرن را در خلال شعر شاعران چون حاوی جسته و نشان می‌دهد، شعر سندباد در هشتمین سفرش و وجوه سندباد اعراض معنادار آدمی از دنیای بیرون و مکاشفه و سیر سلوکش در دنیای درون را به تصویر می‌کشد و سعی در پرده برانداختن اشیات و اهداف والای انسانی نهفته در این اشعار را دارد، نویسنده نوگرایی را نوعی طغیان مثبت و سازنده بر تحولات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی زمان می‌داند، عواملی که نمی‌توان تأثیرشان را بر ادب نادیده گرفت، لیکن بیانی می‌دارد که ذات فرد اهم این امور می‌باشد چرا که در پی پافرا بهادن از آن، می‌توان محدودیت‌های دنیای بیرون را حقیر شمرد و نادیده گرفت. اما عصیان بر خود، سنگ بنای مدرنیسم در شعر شاعر مدرن است، گرچه در بنای این ساختمان نیم نگاهی به موروثات اصیل گذشته و ارزش‌های گرانبهای پیشینیان دارد و کنار نهادن تمامی مفاهیم را خطایی فاحش می‌داند، نویسنده، بسیار در نوشتن این اثر به طرز تفکر خلیل حاوی و شخصیت وی استناد جسته و سطرها را با توجه به دیدگاه‌های او، تفسیر و توضیح می‌دهد، چرا که حاوی عقیده داشت ادبیات در محدوده تاریخ نمی‌گنجد

و تلاش برای ارجاعات تاریخی و تفسیر موضوعی رمانتیسم ضربه زننده به شعر و شاعری هستند، حاوی شاعر سه نسل گذشته و حال و آینده است که هر کدام به فراخور ظرفیت وجودی‌شان از شعر او بهره وافی برده‌اند.

نویسنده راه نوگرایان را از افرادی که شعرشان نیازمند اصالت است جد نموده چرا که سنت شکنان نوعی غریب گویی و برهنگی سخن را اشاعه می‌دهد که حتی در زمان خلق اثرشان منسوخ و غیرقابل استناد است. جزء ازگانی وارداتی چیز بیشتری بر ادب و فرهنگ نیفزوده‌اند.

نویسنده اشعار دیگر شاعران مدرن، چون بدر شاکر سیاب، حاوی، آدونیس و محمد اله غول را از نظر گذرانده و حظ بردن از معانی را به خواننده وامی‌گذارد، این کتاب سعی جالب و جذاب برای شیفتگان ادب مدرن می‌تواند باشد، اما با همه این تفصیل، باید گفت جالب و سخت فهم بودن این اثر، سبک خاص نوشتاری آن بوده، بطوری که خود نویسنده نیز، بدان اذعان دارد «امیدوارم خواننده به‌طور مرا بفهمد زیرا سخنم گاهی با حماسه، گاهی با نقد و اتهام در آمیخته، عذر می‌خواهم که این شیوه من بوده و خواهد بود». (فی الادب الحديث والثقافة، ص ۱۴)

لذا این سبک نوشتن، باعث صعوبت در رساندن مفهوم برخی از عبارات و مفاهیم گشته است. لذا بنده از خواننده می‌محترم که در خواندن کتاب متانت و صبوری بخرج داده کمال سپاس را دارم.

مترجم اعظم اسدی

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۵
مقدمه‌ای بر شعر خلیل حاوی	۱۹
اول: خلیل حاوی: سیمرغ قربانی!	۲۰
درم: خواندن همراه با تلاش مصرانه	۳۱
سوم: خصوصیت مطالعه باز (گردهمایی)	۳۹
چهارم: خریدن انتخابی همراه با معنای متغیر	۵۰
پنجم: ما را حویس معرفت- نبوت	۵۷
دو نمونه از شعر خلیل حاوی	۶۳
حالات سندباد	۶۴
۱- حالتها	۶۴
۲- زندانی در قطار	۶۶
۳- با کولی	۶۷
۴- پس از تب	۷۰
۵- بهشت بیقراری	۷۰
۶- نقایها، همزاد، پل واترلو	۷۱
۷- در تاریکی زهدان	۷۶
۸- دو صورت	۷۷
۹- چهره جاودانه	۷۷
سندباد در هشتمین سفرش	۷۹
چالش بین نوآوری و سنت شکنی (تحقیقی پیرامون شعر مدرن)	۱۰۴
سرآغاز	۱۰۵
طرح مسائلی پیرامون اصطلاحات: جدید، معاصر، سنتی	۱۰۹

۱۲۳	— سنت شکنی شعر نوگرا
۱۲۴	سنت شکنی ادبی
۱۲۷	مضامین: تمدن، فرهنگ، انسانیت
۱۲۹	— کوشش زمان و عصیان بر آن
۱۴۷	اندیشه: یگانگی، تمایز و آزادی
۱۵۸	معانی جزئی و تک به تک و تصاویر عجیب و حیرتزا
۱۷۸	بهبودهایی از شعر جدید
۱۷۹	رو پی کور
۲۲۶	درآمد
۲۳۴	۱- ادبیات و اجتماع:
۲۳۶	دوم: اشاره‌های تاریخی
۲۴۷	۳- یک دلیل سیاسی برای کتاب
۲۵۱	دوم- اثر ادبی و جمهوری و گروه‌ها
۲۵۱	۱- جمهوری‌ها:
۲۸۴	واقع گرایی و طبیعت گرایی
۲۸۴	ترجمه و تحقیق
۲۸۵	مقدمه
۲۹۱	۱- واقع نگری یا طبیعت گرایی؟
۳۰۸	۲- برچسب مسئله دار طبیعت گرایی
۳۱۳	۳- ایدئولوژی طبیعت گرایی
۳۲۰	نمونه
۳۲۱	چهارم - کتابت تجربی
۳۲۴	پنجم: پیدایش طبیعت گرایی
۳۲۴	مکتب رئالیسم: شامپلوری و دورونتی
۳۳۱	ششم: پیشرفت علمی فرانسه در پایان قرن ۱۹

۳۴۲	 منابع ترجمه و تحقیق:
۳۴۳	 فرهنگ و جایگاه آن در سیاست و ادبیات و مقاومت
۳۴۴	 ۱- فرهنگ: ابهام اصطلاح
۳۴۷	 ۲- روشنفکر: تعریف و نقش سیاسی او
۳۵۵	 ۳- فرهنگ: تأثیر آن در ادبیات و ادیب
۳۶۶	 ۴- اینترنت و غرب زدگی فرهنگی
۳۷۲	 * فرهنگ میان خالق و دریافت کننده
۳۷۶	 مسلمانان: واقعیت و تحریف
۳۸۵	 منبع کتاب
۳۸۵	 منابع عربی
۳۸۸	 منابع لاتین
۳۸۹	 دیوانها
۳۸۹	 نشریه‌ها و روزنامه‌ها

مقدمه

بوضوح روشن است که ابتدا و انتهای هر سخن در متون ادبی و فرهنگی انسان است با تمامی مشکلات و مسائل اساسی و ویژه‌اش، چه بسا هر زمانی راجع به آدمی سطرها نگاشته شده است، پس مدرنیسم در عمیق‌ترین دلالت‌هایش - بنابر نظریه ما - حضور فعال و کارآمد آن در عصر خودی، با همراه نوعی احساس طغیانگری سرسختانه نسبت به احوالات و نجات سیاسی و فرهنگی و اجتماعی زمانش می‌باشد و مواجهه تند با آنچه که نویسنده مدرن در برابر این دیدگاهها از خود نشان می‌دهد، در حالی که آمده از عقاید مردم پیرامون و گرایش‌های فطری‌شان به سوی پیشرفت و توسعه و احقاق حقوق اساسی بشر گام برمی‌دارد که آزادی با گستره وسیع و عمیق آن در مقدمه این حقوق است.

پیشگامان نوگرا در نوشته‌هایشان از احترام کامل به انسان و اعتماد راسخ به استعدادهای فطری و امیال طبیعی ری سخن می‌گویند و عمیقاً ایمان دارند به تواناییها و امکاناتی که او را شایسته بدست آوردن برترین کارها و اقدام به پرداختن به واقعیت خود و بالا بردن انسانیت می‌نماید، آن هنگام که شرایط برای وی مهیا باشد، آزادی گرفته شده‌اش به سویش باز گردد و آنچه از موانع مادی و فرهنگی که در مقابلش قد برافراشته بود زایل می‌شود و از سنگینی وابستگی و گمراهی و جهل و فقر و از فشار سلطه‌های زمانی و غیرزمانی سبک شود.

لذا حضور مدرنیسم با صورت‌های مختلفش در فرهنگ و ادب ضرورتاً مسبوق به جان گرفتن فردیت و زنده شدن عناصر کامل کننده و شکل دهنده آن در زمان و مکان و اعتراف به درستی این اندیشه، با وجود تفاوت و اختلاف و نقد و سؤال افکنی و اتهام نسبت به آن است و موفقیت و فعالیت و پیشرفت آن همواره با مفاهیمی که از گذشته بجا مانده است مقایسه می‌شود.

و آنچه در عصر حاضر در تقالید و عادات‌ها و پدیده‌های عمومی که تجلی بی‌ادب می‌گردد، لذا این نوعی درگیری است که در آن ذات مورد صدمات و جبران قرار می‌گیرد و ثبات در این رویارویی جسارتی می‌طلبد تا بتواند راضعی جسورانه در مقابل اشیاء و هستی به شکل حقیقی بگیرد و آن‌ها را به صورت واقعی خود، ببیند و به دور از سورچرانی وهم و نیرنگ خوردن از مسیر گذشته و ادعا نمودن هر شکل از اشکال شجاعت و قدسیت برای اشیاء، تصمیم بگیرد.

عکس مدرنیسم یعنی نبود این داده‌ها واقعی و فرهنگی در هر نوع انجمن اجتماعی یا سیاسی یا فکری فرهنگ عمومی باعث می‌شود افراد به نظام سلطه طبقاتی گردن نهاده و از نظر فرهنگی تسلیم کهنه پرستی‌ای شوند که از درستی سرشت و زنده بودن احساسات و قوای روحیشان تغذیه می‌کند، امری که برای همیشه آنها را از انجام کار مثبت و همراهی با مقاصد اصلی و میراث اصیلشان و گرفتن احکام درست نسبت به آنچه پیرامونشان می‌گذرد ناتوان می‌سازد.

می‌توان اعراف و مسلمانان را در بسیاری از احوالاتشان نمونه‌ای دانست بر آنچه می‌گوییم، چرا که اکثر آنان، از این واقعیت به خاطر عجز و ناتوانی به مدت ده قرن رنج کشیدند.

(از اوایل قرن ۱۰ تا اواخر قرن ۱۹ میلادی)

خروج تدریجی مسلمانان از محیط شکل یافته فرهنگی‌شان آنها را وارد درگیری‌های طائفه‌ای، مذهبی، قبیله‌ای و عرقی نمود، کاری که سهم زیادی در شکست و از بین رفتن ابهت و برانگیختن اضطراب و تشویق شدید در تمامی اوضاع و احوال آنها شد، لذا عجیب نیست که بلاهای بعد از نابردن نفوذ سیاسی در درون کشور و خوار کردن عجم‌ها بر سرشان آمد که این امر باعث شد تا عجم‌ها کم‌کم بر آنها سیطره پیدا کرده و به آنها امر و نهی شد و آنها را از نفوذ و تأثیر در امر حکومت دور کنند، حاکمان و رعیت عرب به این دوری و استبداد گرفتار شدند، بعد از گذشت یک قرن و نیم که عباسیان ادب و عفت را بدست گرفته بودند.

احوالشان پیوسته از بد به بدتر در حال تروتن وسطی و حتی تا روزگاز ما بدل می‌شد و می‌توان به بارزترین این بدت‌ها از خلال وقایع تاریخی زیر اشاره کرد.*

* استبداد و ظلم: یکی از موالی و یکی از خدمتکاران پست که در نزد خلیفه مقتدر عباسی (۲۹۵-۳۲۰) (مؤنس الخادم) نامیده می‌شد

* برای آگاهی از این وقایع مراجعه کنید به، عمر فروخ، تاریخ الادب عربی (دارالعلم لملايين بيروت ۱۹۷۹) ج ۳، ص ۱۴۳-۱۴۶: ۶۰۲-۶۰۵ و کمال صلیبی، تاریخ لبنان المحدث (دارالنهار للنشر بیروت ۱۹۹۱) ص ۱۹۵-۲۳۹.

او را کشت و خودش را امیرالامراء یعنی فرمانده ارتش و رهبر لشکر نامید.

* سیطره آل بویه فارس (۳۳۴-۴۴۷ هـ) و بعد آن قبایل ترک مانند سلجوقیان (۴۴۷-۵۷۹ هـ) و اتابکان (۵۷۹-۶۳۹ هـ) برخلاف عباسی که با وجود آنها تنها شانی بود که هیچ قدرت و قوتی بر اجرای کار نداشت، متنبی نارضایتی عرب را از سیطره بیگانگان بر کشور و ناامیدی شان از اصلاح امور و پیروزی تلاششان در سایه خضوع سیاسی و نظامی شان در برابر بیهوشها چنین به تصویر می کشد:

مردم بر دین ملوک خود هستند عرب‌هایی که پادشاهانشان عجم باشند به رستگاری نمی‌رسند.*

* سیطره کامل بر شهرهای شام و مصر از طرف ایوبی‌های کرد (۵۶۹-۶۴۸ هـ) و بعد از آنها مه‌ایک (۶۴۸-۹۲۳ هـ) که در اصل از جمله بردگانی بودند که ریشه آنها به گروهای مختلف برمی‌گردد، بارزترین آنها کردها و فارس‌ها و ترک‌ها بودند که در کوچکی خریداری شده بودند و ابتدا بعنوان خدمتکار در خانه بزرگان و اعیان می نمودن ارتش بعد تمرین و آموزش بکار گرفته می‌شدند، از جمله این پادشاهان و امیرانی هستند که عرب از قهر و استبداد و شدت آزارشان به سختی افتادند.

* دیوانش، شرح شیخ ناصیف الیازجی - دار و مکتبه الهلال، بیروت ۱۹۹۵ - ج ۱، ص

* حمله تاتارها به بغداد، پایتخت خلافت در سالهای (۶۴۸ هـ - ۱۲۵۰ م) و اشغال و خراب کردن آبدانی‌های بغداد و سوزاندن کتابخانه‌ها و کشتن خلفای عباسی و آواره کردن بسیاری از افراد از جمله ثروتمندان و امیران و ادیبان و متفکران و بقیه افرادی که زنده مانده بودند.

* حمله و یورش غربی‌ها (فرانسوی‌ها و انگلیسی‌ها و آلمانی‌ها) به شهرهای شام و مصر و قتل و غارت و خرابی آنجا، به طوری که حملات نظامی آنها حدوداً ۲۰۰ سال بطول انجامید و به جنگ‌های صلیبی (۴۸۸-۹۱ هـ) (۱۰۹۵-۱۲۹۱ م) معروف شد.

* سیطرهٔ عثمانی‌ها بر کشورهای عرب بیشتر از ۴۰۰ سال (۱۵۱۷-۱۹۲۲ م) بطول انجامید و در این میان اوضاع کشورهای عرب وخیم شد و جهل و عقب ماندگی و فقر در بینشان شایع شد.

* تقسیم کشورهای عربی به دولت‌ها و ممالیک و امارت بدنبال جنگ جهانی اول و قرار گرفتن آنها تحت سیطره، فرانسه و انگلیس که به قیمومیت معروف است (۲۸ نisan ۱۹۲۰ - ۲۱ کانون اول ۱۹۴۶ م) و غنیمت قرار دادن کشورهای عربی توسط دو دولت پیروز جنگ جهانی اول، این دو کشور قیمومیت‌شان بر کشورهای عربی انجام نشد مگر بعد از اینکه در کشورهای عربی عللی را فراهم کردند تا بین مردم آنجا فتنه‌ها و جنگ‌های طائفی یا مذهبی و قبیله‌ای و مرزی ایجاد کردند، امری که باعث شد هر ساعت در امور آنها دخالت کنند و عرب‌ها نیز در هر حالتی وابسته به پیشنهادات و نظرات اقتصادی و فرهنگی و سیاسی، نظامی آنها باشند بخصوص در اموری که به دولت اسرائیل کنونی می‌رسید، باعث می‌شد این شکاف‌ها و جدل‌ها بیشتر شود و منجر به نگه‌داشتن

عرب‌ها در بدترین حالات اضطراب و ضعف و سرخوردگی و عقب ماندگی می‌شد تا اسرائیل و دولتهای غربی حامی آن به اهدافشان برسند.

* اشغال فلسطین توسط صهیونیست‌ها با حمایت و چراغ سبز نشان دادن غربی‌ها و ترور اهالی فلسطین و کشتار و آواره کردن آنها و شکست پیوسته عرب‌ها در دفع آزار بزرگ صهیونیست‌ها نسبت به امنیت سرزمین و رشد و پیشرفت و استقرار و ریشه‌های فرهنگی و رسالت نمایی تا اینکه مقاومت ملی لبنان و فلسطین در خارج از سازمانهای نظامی سنتی قدیم، ایجاد شد و شیوه برخورد اعراب با آنها و با دولت‌های عرب هم‌زمان نشان تغییر کرد و صهیونیست‌ها به روش‌های هولناک سرکوب دست زدند بخصوص در لبنان طی سالهای (۲۰۰۰ م) و (۲۰۰۶ م) که تهدیدها رها کردند و عرب‌ها چاره‌ای نداشتند جز اینکه همگی با همت قوی و یکپارچگی و آگاهی تام در برابر این خطر فراگیر بایستند.

لذا یکسری حوادث و اتفاقاتی که امروزه جای بحث تفصیلی آن نیست بر آنها جاری و مقدر شد، هر چند جهان‌های جدیدی در ربع اول قرن بیستم در برابر چشمهای کشورهای عرب نمایان شد و منجر به حادثه معروف عصر نهضت گردید و نقشش را در بیداری انسان عرب از غفلت بخوبی انجام داد و باعث شد او در دل وقایع و واقعیت‌ها حضور یابد بعد مدتی که از آن دور و غایب مانده بود و او را تشویق نمود تا خود را از میان عواملی که سال‌ها مایه رنج او را فراهم کرده و وی را در صف جهل و عقب ماندگی و ضعف قرار داده بود، کشف نماید، تب مدرنیسم روز به روز افزون شد تا جائیکه برای اعراب نوگرایی‌شان از ابتدای سال

۱۹۵۰ آغاز شد. پس به آسانی می‌توان تأثیر این حادثه را در جدایی ادب و فرهنگ مشاهده نمود، از جمله این تأثیرات برگرداندن اهمیت علوم انسانی و یکسان سازی سازنده آن است.

پیشگامان مدرنیسم توانستند که در ابداعات خاص و عامشان شهره شوند و شیرازه آثار هنری ادبی را با آثار سیاسی و فرهنگی و تاریخی اطلاعات عمومی یکی نمودند، بنابراین ادب، دیگر تنها یک وسیله برای لذت و آرامش نبود و شرط اولیه برای آگاهی فرد و وفاداری در برآوردن نواست‌های حیاتی‌اش برای همراهی هر چه بهترش محیط واقعی و تقویت همکاری و پیشرفت با این محیط بکار گرفته شد، حتی فراتر از حدود و مرزهای که برایش ترسیم شده است در حالی که با تمام علت‌های همیشگی بدبختی‌اش که مهمترین آنها جهل و فقر و وابستگی و گمراهی است مقابله می‌کند.

اگرچه همواره تعدادی از این پیشگامان از جمله سیاب و حاوی و آدونیس - در بیشتر کارهای اولیه‌شان - بیاتی و حجازی با گوهر میراث عربی و اسلامی در ارتباط بودند،

بخاطر معیارهای فرهنگی‌ای که در این محیط شکل یافته بود، هر چند عده دیگری هم بودند که از بارزترین آنها می‌توان به: شوقی ابی شقرا و یوسف الخال اشاره کرد که با دستاوردهای ادبی و شعری‌شان از اصول دوری جستند و در محیط فرهنگی غربی‌ای که در آن جا به سلیقه و میل خود می‌چرخیدند و رها شده بودند، شتابان ره می‌پیمودند و همراه با غریب‌ترین تجارب هنری همراه گشتند و جزء گیرندگان شیوه‌ها و سبک‌های شعری جدا از هر قید و مانع و تحریم یا نظام و شرطی شدند و

بازی با سندهای زبانی و اصول و قواعد اساسی را، آسان شمردند و ره آورد این بازی برایشان دستاوردی عجیب از ترکیب‌های زبانی بود و کمترین چیزی که می‌توان درباره‌اش گفت: این است که از ذوق سلیم به دور است و حیرانی و خستگی شدید برای ذهن و وجدان بشری پدید آورد و آنها مشتاق به بریدن و انفصال کامل از زبان و ذهنی بودند که آنها را به تاریخشان می‌رساند و با مردم پیرمونشان یکی می‌کرد.

این اذعان در مورد افرادی است که چه از راه تجربه امور مطلوب خویش و چه از طریق تعبیر افکاری که به ذهنشان می‌رسید و با بواسطه بر زبان آوردن آراء و مواضعشان، به فرهنگ کمک نمودند، لذا نادیده گرفتن خدمات این‌ها، تأثیر عملکردشان در دستاوردهای فرهنگی و تمدنی شایسته نیست.

سزاوار نیست فردی مانع بر گذاشت مبدعان پیشگام مدرنیسم حقیقی شود، باید نقش پیشکسوتان در نمایان کردن عربی اسلامی، بصورتی حقیقی خالص و تلاش آنها برای الهام گرفتن و الگوساختن از گوهر اصیل آن را گرمی داشت و صدرنشینی شان در مواردی از عناصر و میراث فرهنگی موجود که باعث ابداع و نوآوری‌شان شد، را در نظر گرفت، این دیدگاهی است که بر جان نسل‌های ما و عقل‌های خودشان غلبه یافت. پیشگامان نوگرایی این نقش تاریخی را بعنوان پیشکسوتانی بلندمرتبه و وفادار و باثبات بعهدہ گرفتند. با وجود اینکه، از نیروهای حاکم و یاران خوف برانگیزشان به آنها آسیب‌هایی می‌رسید که کشته شدن از آن آزارها راحت‌تر و بهتر بود- آن پیشکسوت کسی است که وجود امت را حفظ نمود و برای او مکان شایسته‌ای را در تاریخ اختصاص

داد و درایت و توانائی‌های امت را تحریک کرد و او را بر ممانعت و مبارزه طلبی تشویق نمود و استعداد فطری‌اش را برای مقاومت در برابر عوامل نابودی تقویت کرد، که قرن‌ها کار کرده و بطول انجامیده بود و هر بار به شکلی اهداف دینی را مشوه می‌کردند و برای نابودی تمدن و غربی ساختن فرهنگ عمل می‌نمودند.

حرکت بعضی از جماعات که بر ایجاد منابر و محافل ادبی و بدست گرفتن مجالس فرهنگی و تبلیغاتی توانا بودند، برای ترویج - به اسم مدرنیسم - رواندیشی - بعضی از اشکال هنری آمیخته بهم - ادبی و غیرادبی - را به نمایش گذاشتند و با قلم یا صدا (مکتوب یا غیرمکتوب) با عکس یا هر وسیله‌ای این امر را به تصویر کشیدند، لذا سبک شمردن شأن آن و نادیده گرفتن تأثیر سببی مهمش در حال و آینده ما، شایسته نیست و بنظر می‌رسد که این جماعت در گذشته و حال به موفقیت دست یافته‌اند و به ما زخم‌های انبوهی رسد که مایه گمراهی فرزندان و دور کردنشان از واقعیت و مشوش ساختن اهداف و سنن و میراث و نوعی تحکم با رویکردهای فرهنگی است و خطرناک‌ترین زخم‌ها، د که سعی در تحریک برای مشوه کردن معنای نوگرایی حقیقی و کنار زدن آن بود، گویا آن زخم خشکاننده اصالت و دشمن و به‌دیدم داده‌های تاریخی، دینی و فرهنگی است و از دلایل روشن بر موفقتیت تأسف‌بار آن است که از نظر تاریخی تحت سیطره‌ی نسبتاً کامل تقلید شدیم و در زندگی فرهنگی و ادبی و توجیه مفاهیم و تصورات و فرض شرط‌ها و صدور حکم‌های موافق با ایدئولوژی نیروهای مؤثر که در طول زمان ثابت بوده ولی مکانش متغیر بود.

در سایه این سیطره قوی پیوسته برای مبدعان پیشگام مدرنیسم در گذشته و حال تنها درخشش گاه به گاه ممکن بود تا با متن-های ابداعی‌شان پلهایی از ارتباط را بین نسل‌ها و میراث قدیمی‌شان ایجاد کنند و آداب و فرهنگ موجود ما را با آنچه که احیا می‌کنند و شایسته‌ی گفتگوی دائم با متقاضیات عصر و اتفاقات آن، مسلح سازند و بعد این حوادثی اتفاق افتاد که تاکنون آنها را غایب کرده است.

شاید آنچه که ما اینجا بازگو می‌کنیم، تفسیری باشد برای غیبت مبدعان و روشنفکران هم عصر ما در این مرحله کنونی از تاریخ حال چه این غیبت اجباری است، یا اختیاری، از روی ناامیدی و سرکوب یا بازگشت و طلب امنیت و یا باطراپ انحراف و به سبب کرنش در برابر مقام-ها و یا به هدف کسب مادیات را غره.

از اینجا است که دست‌اندرداران کتاب در حوزه تألیف و چاپ و نشر، از نبود کتابهای ادبی و فرهنگی جای مهم در بازارشان شکایت دارند در حالیکه کتابهای موجود در بازار که کتابهای ترویج دهنده ادعاهای حزب یا گروه یا جماعت بانفوذ یا مؤسسه تجاری که هدفش سودی مادی است که رواج زیادی دارد.

بیشتر این تألیفات که رواج پیدا کرده‌اند، حاوی اطلاعات اسطوره‌ای و مفاهیم خرافی یا موضوعات ساده سنتی مانند روش‌های آموزش شغل یا زبان است همه این نوشته‌ها گسیل می‌شود برای مصرف مردم عادی و گروههای دانش آموخته است و بجای اینکه به سطح آگاهی و شناخت و درک آنها بیفزاید، باعث انحطاط سطح فکری و عمیق کردن جهل و ناتوانی‌شان شود، بعد از این واقعه تلخ که برای کتابهای ما پدید

آمده این سؤال مطرح گشت چرا بیشتر خواننده‌ها از تألیفات ارزشمند و از نویسندگان جدی و مهم روی گردانده‌اند؟

آنچه در این مقدمه آوردیم، خلاصه مباحثی است که این کتاب در بردارد و شامل دیدگاه‌ها و ابعاد ادبی و فرهنگی عام است با وجود اینکه این کتاب در مراحل زمانی مختلف نوشته شده‌اند آنچه به همادنگی آن‌ها منجر می‌شود این است که دیدگاه‌های آن از منبعی واحد است و امتداد این اکتشافات بسوی ابعاد خودش می‌باشد، اما بارزترین مضامینی که کتاب آنرا طرح می‌کند و بر آن دلیل می‌آورد و تلاش در تأکید آن دارند، این می‌باشد که عامل اساسی در ایجاد مشکلات ما و وخیم‌تر شدن اوضاع می‌گردد به اینکه ما قربانی نابودی و ناآشنایی فرهنگی هستیم که باعث اندام ما دچار اختلاف و نزاع و شکاف در فرهنگ شویم بخاطر سمت‌رایی حقیقی فرهنگ و اهداف اساسی و تجلیات معرفتی آن، لذا این تراهی فرهنگ که علت شکاف قدیم و نوگرایان بشمار می‌رود، ممکن است، همان چیزی باشد که بیشتر ما گمان می‌کنیم. لذا درگیری ما در این چهره‌هاست مشکل ما نبود بعد فرهنگی در رویکرد ادبی و فکری است.

دوگانگی‌های متضاد؛ مثل قدیم و جدید یا دین‌مرو و ابداع یا اصالت و نوگرایی یا سنتی و معاصر یا زیاده‌روی و اعتدال یا سلفی سرسخت است، پس میوه‌های این فکر رایج در محیط علوم انسانی از ثمره‌های معرفت می‌باشد چه سیاسی، چه اجتماعی یا ادبی یا هنری... بر پایه عنصر فرهنگی است از جهت هستی یا توجیه، وظیفه.